

The Study of the Relation of Early Maladaptive Schemas and Differentiation with the Extent of Marital Adjustment

Seyede Fateme Raies Sadati,¹ *Neda Nazarboland,² Abolghasem Khoshkonesh³

1. Msc of Family Counseling, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran;

2. PhD of General Psychology, Assistant Professor of University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran;

3. PhD of Clinical Psychology, Assistant Professor of University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

*Corresponding Author Address: Counseling Dept., Educational Sciences FAC, Shahid Beheshti Univ., Daneshjoo Blv., Evin, Tehran, Iran. *E-mail: n_nazarboland@sbu.ac.ir

Received 2015 September 6; Accepted 2016 January 17.

Abstract

Background and objective: The effective factors on marital adjustment include personal traits, situational factors and life events. However, the studies conducted so far have shown that different cognitive media affect and direct the marital relations framework. As cognitive media, early maladaptive schemas, introduced by Young, originate from the individual's life events and differentiation as a personal trait seems to be a good predictive for marital adjustment. On this account, this study aims at predicting the marital adjustment in pre-marriage counseling sessions by studying the relationship between early maladaptive schemas and differentiation with marital adjustment.

Methodology: The research is a descriptive-analytic study with correlation plan. The population of the study included all married individuals in Tehran with an estimated sample of 400 people. Sampling was a multiphase and accessible method in a way that primarily 5 regions were randomly selected among 22 zones in Tehran following by a random selection of counseling clinics, schools and culture centers in this region. The questionnaire was then issued and handed to those qualified for the survey. The exclusion criterion from the survey was having remarriage/divorce history, drug abuse or being under psychosomatic treatments.

Spanier Marital adjustment questionnaire, Young's schema short form (third edition), differentiation of self-inventory were the tools applied for this research. In order to analyze the data, correlation test, regression analysis and T-test were used.

Results: The findings of the study showed that there is a significant but inverse relationship between all early maladaptive schemas with marital adjustment ($p < 0.05$), and among five principal areas, abandonment and instability ($r = -0.72$) and over vigilance ($r = -0.61$) showed the highest correlation with marital adjustment ($p < 0.001$). From among early maladaptive schemas, shame and defect schemas had the highest (inverse) correlation with marital adjustment ($r = -0.72$, $p < 0.001$).

In this research, the variable of differentiation of self was correlated with marital adjustment ($r = 0.54$, $p < 0.001$) and from among aspects of differentiation, aspect of "my status" showed a direct relationship with marital adjustment ($r = 0.39$, $p < 0.001$). Three elements of emotional reactionability ($r = -0.45$) emotional comingling ($r = -0.42$) and emotional escape ($r = -0.31$) indicate the individual's differentiation which was proved to have a significant and negative relationship with marital adjustment in this study. From these elements, emotional reactionability showed the highest relevance with marital adjustment, a state in which the individual's feelings and emotions overcome his/her reason and wisdom and causes such persons to make decisions, in tense situations, simply based on emotional reactions.

In this research another relationship was also found between early maladaptive schemas and differentiation ($p < 0.001$). From among aspects of differentiation, aspect of "my status" was proved to have the highest correlation with the schema of mistrust ($r = -0.45$, $p < 0.001$). Early maladaptive schemas and differentiation of self showed a high potentiality for the prediction of marital adjustment as the findings indicated that early maladaptive schemas and differentiation of self can predict up to 73 % marital adjustment.

Conclusion: This research was carried out to find out the relationship between early maladaptive schemas and differentiation of self in The Married with marital adjustment. The findings of the research indicate and prove the relationship between these two variables and marital adjustment. The findings showed that formation of early maladaptive schemas during childhood and its consequent personal and behavioral structure in adulthood, affect the individual's adjustment in marital life. In this regard, schemas of shame and defect were proved to have the highest predictability potential for marital maladjustments. The inverse relation of three aspects of differentiation of self (except for "my status" aspect), with marital adjustment could mean that people with intimate and border free relations mingled with family members are more likely to fail in regulating and controlling their communicational and even emotional borders which consequently results in experiencing maladjustments in relations with their partner. Thus, early maladaptive schemas and differentiation of self can be applied in the prediction of marital adjustment.

Keywords: Early maladaptive schemas, Marital adjustment, Self-differentiation

بررسی رابطه‌ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با میزان سازگاری زناشویی

سیده فاطمه رییس‌الساداتی^۱، * ندا نظربلند^۲، ابوالقاسم خوش‌کنش^۳

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

۲. دکترای روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

۳. دکترای روانشناسی عمومی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* آدرس نویسنده مسئول: تهران، اوین، بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی، گروه مشاوره.

* رایانامه: n_nazarboland@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۴؛ تاریخ پذیرش: ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۴

چکیده

زمینه و هدف: عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی شامل خصوصیات فردی، عوامل موقعیتی، و رویدادهای زندگی هستند. البته مطالعات نشان داده که میانجی‌های شناختی مختلفی چارچوب روابط زناشویی را تحت‌تأثیر قرار داده و آن‌ها را جهت‌دهی می‌کنند. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه که توسط یانگ معرفی شده، به‌عنوان یک میانجی شناختی، از رویدادهای زندگی فرد نشأت می‌گیرد و تمایز یافتگی به‌عنوان یک خصوصیت فردی، به‌طور بالقوه پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای سازگاری زناشویی به‌نظر می‌رسد. از این‌رو این مطالعه با بررسی ارتباط بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با سازگاری زناشویی با هدف پیش‌بینی سازگاری زناشویی در مشاوره‌های پیش‌ازدواج صورت گرفت. روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی با طرح همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد متأهل شهر تهران بود؛ و حجم نمونه ۴۰۰ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری به‌شیوه چندمرحله‌ای و دردسترس بود؛ به‌این‌ترتیب که ابتدا ۵ منطقه به‌تصادف از بین مناطق ۲۲ گانه انتخاب شد و سپس کلینیک‌های مشاوره، مدارس و فرهنگ‌سراهای محلات این ۵ منطقه به‌تصادف انتخاب شدند؛ آنگاه پرسشنامه بین افرادی که معیار ورود به‌مطالعه را داشتند به‌طور دردسترس توزیع گردید. معیار خروج از مطالعه داشتن سابقه ازدواج مجدد/طلاق، سوء مصرف مواد و یا بودن تحت درمان‌های روان‌پزشکی بود.

پرسشنامه‌های سازگاری زناشویی اسپانیر، فرم کوتاه طرح‌واره یانگ (ویرایش سوم) و پرسشنامه تمایز یافتگی خود اسکورون ابزارهای این مطالعه بودند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی، تحلیل رگرسیون و آزمون تی استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین تمامی حیطه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی ارتباط معکوس و معنادار وجود داشت ($p < 0/01$). همچنین بین تمایز یافتگی و هر ۴ بُعد آن با سازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود داشت ($p < 0/01$). تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که ۹ حیطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ۲ بُعد تمایز یافتگی توان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را داشتند ($p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های این تحقیق نشان داد که می‌توان با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و نیز تمایز یافتگی، میزان سازگاری زناشویی را پیش‌بینی نمود. این یافته می‌تواند مشاوران در ارائه مشاوره کلینیکی کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سازگاری زناشویی، تمایز یافتگی خود

دیگر جهت مندی،^۵ گوش به زنگی بیش از حد/بازداری^۶ تقسیم می شوند (۸).

طرح‌واره‌های ناسازگار و ناکارآمد در دوران کودکی به وجود می‌آیند و زندگی بزرگسالی و دوران تأهل را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشانند. طرح‌واره‌های ناسازگار تعیین‌کننده‌های عمده‌ای هستند که مشخص می‌کنند افراد چگونه فکر، احساس و رفتار کرده و به صورت اجتماعی تعامل برقرار می‌کنند (۹). هر یک از طرف‌های ازدواج، زمانی که تصمیم به ازدواج می‌گیرند، با خود ویژگی‌هایی دارند که حاصل فضا و محیط خانوادگی آنهاست. نوع روابط حاکم بر خانواده اصلی هریک از زوج‌ها به شکل تعارضات، ناسازگاری‌ها و مشکلات زناشویی بین والدین آنها، بر ویژگی‌ها و حالات روانی-شخصیتی فرزندی که اکنون مایل به ازدواج شده تاثیر غیرقابل انکاری به جا می‌گذارند (۱۰). بنابراین، محیط اولیه تحول کودک است که زمینه ایجاد طرح‌واره‌های خاصی را به وجود می‌آورد و از سویی در هر رابطه زناشویی، طرف احتیاجاتی دارد که در خانواده مبدا خود تحقق نیافته است و معمولاً بدون آگاهی هشیارانه از این نیازها، چشم دارد که دیگری این نیازها را ارضا کند. اما در کنار آن، عوامل دیگری نیز در این زمینه دخالت می‌کنند. یکی از عوامل بالقوه پیش‌بینی‌کننده سازگاری در روابط زوجین، میزان تمایزیافتگی خود^۷ هر یک از آنهاست. مفهوم تمایزیافتگی خود یکی از مفاهیم اساسی بوئن است (۱۱) که به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و در عین حال استقلال از دیگران اشاره دارد. تمایزیافتگی خود توانایی فرد برای مشخص کردن هدف‌های زندگی واقعی خویش بدون نیاز به تأیید خانواده است در حالی که تماس عاطفی فعالی با خانواده دارد. در واقع تمایزیافتگی خود همان تعادلی است که هر فرد می‌تواند بین دو نیروی تفرّد و تعلق به عنوان دو پایه زیست‌شناختی که همه اشکال زندگی را به پیش می‌برد به وجود آورد (۱۲). بنابراین طبق الگوی بوئن (۱۱)، افرادی که به سطح تمایزیافتگی خود متعادلی از خانواده رسیده‌اند، کمترین سطح اضطراب و نشانگان روان‌شناختی را دارند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتار غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، می‌توانند کنترل خود را از دست ندهند و با در نظرگیری عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایزنا یافته همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند و مستعد مشکلات روان‌شناختی هستند (۱۳).

تمایزیافتگی خود یک ویژگی شخصیتی است که می‌تواند از نسلی به نسل دیگر منتقل شود؛ به این معنا که اگر والدین دچار تمایزنا یافتگی باشند، کودک آنان نیز از این مشکل رنج می‌برد و پس از ازدواج، تحت تأثیر خانواده مبداش قرار داشته و نمی‌تواند ارتباط مؤثر و مستقلی را با همسرش برقرار کند (۱۴).

یکی از اهداف مهم ازدواج رسیدن به آرامش است و این آرامش جز در سایه روابط سازگار بین زوجین به وجود نمی‌آید، کیفیت و میزان سازگاری زناشویی نیز مانند سازگاری زندگی مجردی از عواملی مختلف تاثیر می‌پذیرد که ارزیابی آنها در افراد و روابطشان بخشی از ادبیات مشاوره‌ای ازدواج و خانواده است (۱). سازگاری زناشویی فرآیندی پویاست که بر روی طیفی از سازگاری و ناسازگاری تغییر می‌کند (۲). می‌توان گفت که عوامل زیادی در سازش بین زوجین مؤثر هستند؛ یکی از مهمترین آن عوامل، عوامل شناختی است (۳)، و نیز ادراکات زن و شوهر و برداشت‌هایی که آنها از زندگی خانوادگی خود دارند، در سازگاری زناشویی آنها مؤثر است (۴). از عوامل دیگر ویژگی‌های روانی-شخصیتی هر یک از زوجین است که با میزان سازگاری آنها در روابط زناشویی شان مرتبط است (اسمیت و پترسون، ۲۰۰۸: به نقل از (۵)). علاوه بر آن پژوهش برادربوری و فینچام (۶) نشان داده است که نگرش‌ها و تفاسیری که زوج‌ها از رفتار یکدیگر دارند در سازگاری و زناشویی آنها مؤثر است.

طبق نظر هالفورد و همکاران (۷)، عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی شامل سه دسته خصوصیات فردی (سن، وضعیت جسمانی و شخصیتی)، عوامل موقعیتی (درآمد، طبقه اجتماعی، آموزش و فرهنگ) و رویدادهای زندگی (روابط قبل از ازدواج، رویدادهای فشارانگیز و حوادث پرخطر) هستند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد، میانجی‌های شناختی مختلفی چارچوب روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار داده و آنها را جهت‌دهی می‌کنند. از جمله این میانجی‌ها که در شیوه‌های پردازش شناختی اثرگذار بوده و جنبه‌های گوناگونی از زندگی و شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرد را نسبت به آسیب‌های روانی آسیب‌پذیرتر می‌سازد، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه^۱ مطرح شده توسط یانگ است (۸).

طرح‌واره‌های ناسازگار مفهومی فراگیر بوده که جنبه‌های گوناگونی از زندگی و شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله حیطه‌هایی که انتظار می‌رود این طرح‌واره‌ها اثرگذار باشند، ارتباط آن با مشکلات شدید زناشویی است. طرح‌واره‌های ناسازگار در شکل‌گیری و گسترش بسیاری از مشکلات روان‌شناختی همچون اختلال شخصیت، اختلال‌های اضطرابی و افسردگی مزمن نقش دارند و تاکید بیشتر بر ریشه‌های تحولی مشکلات روان‌شناختی در دوران کودکی و نوجوانی دارد. این طرح‌واره‌ها می‌توانند بر درک از موقعیت‌های گوناگون اثر بگذارند. طرح‌واره‌های مربوط به رابطه‌های زناشویی دربرگیرنده باورهای اساسی درباره ماهیت انسان و نحوه روابط اوست و فرض می‌شود که نسبتاً ثابت هستند. طرح‌واره‌های مطرح شده توسط یانگ با توجه به پنج نیاز هیجانی ارضا نشده به پنج حوزه: بریدگی و طرد،^۲ عملکرد مختل،^۳ محدودیت‌های مختل،^۴

⁴Impaired limits

⁵Other-directedness

⁶Over vigilance/Inhibition

⁷Diffrentiation

¹- Early maladaptive schemas

²- Disconnection/Rejection

³- Impaired autonomy and/or performance

پژوهش‌های هاوس و مالینکرو (۱۵) نشان می‌دهد که با افزایش سطح تمایزیافتگی خود و استقلال زوجین از خانواده اصلی‌شان، سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بالاتر می‌رود. اسکورون و دندی (۱۶) نیز معتقد بودند که بین تمایزیافتگی خود بالا و سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به طوری که آنها اعتقاد داشتند که زوجینی که کمتر واکنشی هستند و سطح تمایزیافتگی خود آنها بالاست، در روابط خود با دیگران، حالت من خود را حفظ می‌کنند و خشنودی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند.

از عوامل مؤثر بر تمایزیافتگی خود، نقش عوامل فرهنگی در زمینه جمع‌گرایی و فردگرایی نیز حائز اهمیت است. کشور ایران برخلاف کشورهای آمریکا و اروپای غربی که بر فردگرایی تأکید دارند، فرهنگی جمع‌گرا توأم با همبستگی دارد (۱۷). در فرهنگ جمع‌گرا، استقلال شخصی کمتری دیده می‌شود (کازین، ۱۹۸۹ و میلر و برسوف، ۱۹۹۳؛ به نقل از رودی و همکاران (۱۸))؛ و افراد به‌همانگی با دیگران و انجام‌دادن وظایف خود در برابر دیگران ترجیح می‌شوند.

علی‌رغم وجود مطالعات متعدد، این پژوهش‌ها به‌طور کافی پاسخگوی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی خود با میزان سازگاری زناشویی نیستند؛ ضمن این‌که مطالعه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زوجین نیز به‌طور چشم‌گیری اندک است. از سوی دیگر هم‌چنان که در بند پیشین اشاره شد، تمایزیافتگی خود از عوامل فرهنگی نظیر جمع‌گرایی و فردگرایی تأثیر می‌پذیرد؛ از این‌رو امکان تعمیم نتایج مطالعات کشورهای غربی به کشور ایران فراهم نیست. با توجه به اهمیت سازگاری زناشویی در کارکرد صحیح خانواده که می‌تواند تبعات فردی و اجتماعی دربر داشته باشد، پیش‌بینی آن در جلسات مشاوره قبل از ازدواج از اهمیت بسزایی برخوردار است. چراکه انتظار می‌رود که مشاور بتواند با بررسی جنبه‌های مختلف شخصیت هر دو نفر (زوج) پیش‌آگهی قابل‌قبولی را در مورد احتمال سازگاری یا ناسازگاری ازدواج مراجعان ارائه دهد. از طرفی همان‌طور که در قسمت‌های پیشین اشاره شد، به‌نظر می‌رسد رابطه بالایی بین میزان سازگاری زناشویی با تمایزیافتگی خود و طرح‌واره‌های ناسازگار زوجین وجود داشته باشد؛ و این به‌معنای این است که می‌توان از داده‌های آن برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی مراجعین در جلسات مشاوره پیش از ازدواج استفاده کرد؛ اما نکته مهم این است که پژوهش‌های متعدد فعلی به‌طور کافی پاسخگوی رابطه بین سازگاری زناشویی با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی خود در رابطه زناشویی نیستند. ضمن این‌که مطالعه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زوجین نیز اندک است. بنابراین مطالعه حاضر طراحی گردیده است تا علاوه بر بررسی احتمال وجود رابطه بین هرکدام از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی هر یک از زوجین، اثر این متغیرها بر میزان سازگاری هریک از زوجین با یکدیگر را بررسی کرده و دانش موجود در خصوص روابط زوجین، ارتقا بخشد.

۲ روش بررسی

این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی با طرح همبستگی بود. در این پژوهش ارتباط تمایزیافتگی خود و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با میزان سازگاری زناشویی مورد مطالعه قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد متأهل شهر تهران بود، و حجم نمونه تعداد ۴۰۰ نفر برآورد شد که به‌شیوه چندمرحله‌ای و در دسترس نمونه‌گیری گردید. نمونه‌گیری به این صورت بود که ابتدا ۵ منطقه به‌تصادف از بین مناطق ۲۲ گانه تهران انتخاب شد و سپس کلینیک‌های مشاوره، مدارس و فرهنگ‌سراهای محلات این ۵ منطقه به‌تصادف انتخاب شدند؛ آنگاه پرسشنامه به‌طور در دسترس توزیع گردید. ملاک‌های خروج عبارت بودند از: ۱. داشتن سابقه ازدواج مجدد یا طلاق؛ ۲. داشتن سوء‌مصرف مواد؛ ۳. قراردادن تحت درمان‌های روان‌پزشکی و مصرف دارو. که این موارد، ابتدا در زمان تحویل پرسشنامه و سپس از طریق پرسشنامه دموگرافیک مورد بررسی قرار گرفت.

در این مطالعه ملاحظات کمیته اخلاق در کل فرآیند مطالعه رعایت شد و به شرکت‌کنندگان در مورد هدف انجام مطالعه و نتایج آن پیش از ورود به تحقیق اطلاع‌رسانی گردید و همچنین از تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در تحقیق رضایت‌نامه گرفته شد.

برای گردآوری اطلاعات در این تحقیق از پرسشنامه‌های زیر استفاده گردید:

۱) پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (DAS)^۱: یک پرسشنامه خودسنجی ۳۲ سئوالی است و برداشت‌های افراد در مورد سازگاری زناشویی از آن استخراج می‌شود. در این پرسشنامه ۸ دسته سؤال وجود دارد که یک دسته آن به‌صورت بلی/خیر و الباقی با طیف لیکرت (از صفر تا ۵ یا ۶ نمره) پاسخ داده می‌شوند. مجموع نمرات این ۸ دسته سؤال از صفر تا ۱۵۱ متغیر است که کسب نمرات بیشتر یا برابر ۱۰۰ به‌معنای سازگاری افراد و نمرات کمتر از ۱۰۰ به‌معنای وجود مشکلی در روابط زناشویی و عدم سازگاری و تفاهم خانوادگی است. اسپانیر (۱۹) پایایی ۰/۹۶ را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس به‌دست آورد؛ وی همچنین ملاک اعتبار بالایی را برای این پرسشنامه گزارش کرده است. در ایران، حسن‌شاهی (۲۰) پایایی این مقیاس را اعلام نموده است. وی با استفاده از روش تصنیف، پایایی را ۰/۹۶ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برآورد نموده است.

۲) فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره یانگ (YSQ-۳)^۲، این پرسشنامه برای شناسایی و اندازه‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه توسط جفری یانگ ساخته شد. پرسشنامه خود-گزارشی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ خرده‌مقیاس از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از قبیل محرومیت

^۱Dyadic Adjustment Scale

^۲Young Schema Questionnaire 3rd Edition (YSQ-3)

هیجانی؛ رهاشدگی/بی ثباتی؛ بی اعتمادی/بدرفتاری؛ انزوای اجتماعی/بیگانگی؛ نقص/شرم؛ شکست؛ وابستگی/بی کفایتی؛ آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری؛ خود تحول نایافته/گرفتار؛ اطاعت؛ ایشار؛ بازداری هیجانی؛ معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی؛ استحقاق/بزرگ منشی؛ خویشنداری/خود انضباطی ناکافی؛ پذیرش جویی/جلب توجه؛ منفی گرایی/بدبینی؛ تنبیه؛ را اندازه می گیرد. هر آیتیم به وسیله مقیاس درجه بندی ۷ تایی نمره گذاری می شود (۰ = کاملاً در مورد من نادرست است تا ۶ = کاملاً در مورد من درست است). بنابراین نمره های این پرسشنامه با جمع نمرات ماده های هر مقیاس به دست می آید. به عبارت دیگر هر مقیاس دارای ۵ ماده است که نوع طرح واره ناسازگار اولیه را اندازه می گیرد. پایایی و روایی فرم جدید ویرایش سوم (فرم کوتاه ۹۰ سوالی)، که در این تحقیق استفاده شده، در ایران توسط یوسفی، اعتمادی، بهرامی و همکاران (۲۱) بر روی یک نمونه ۵۷۹ نفری در دو مرحله (مرحله اول ۳۹۴ و مرحله دوم ۱۸۵) بررسی شد. در این بررسی پایایی پرسشنامه طرح واره های ناسازگار اولیه با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن، درکل نمونه به ترتیب (۰/۹۱ و ۰/۸۶)، در دختران (۰/۸۷ و ۰/۸۴) و در پسران (۰/۸۴ و ۰/۸۱) بود.

۳ یافته ها

به منظور ارائه تصویر روشن تر از یافته های پژوهش، یافته های توصیفی مربوط به داده های جمعیت شناختی نمونه پژوهش در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. سن و مدت ازدواج در نمونه پژوهش (n=۴۰۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن (سال)	۴۱/۳	۷/۵۸
مدت ازدواج (سال)	۱۶/۴۶	۸/۰۳

به منظور انجام آزمون های آماری، توزیع متغیرهای پژوهشی از لحاظ نرمال بودن با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که کلیه متغیرها از توزیع نرمال برخوردارند ($p > 0.05$). رابطه بین سازگاری زناشویی اولیه با طرح واره های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی و ابعاد آن به شرح جدول ۳ است.

۳ پرسشنامه تمایزیافتگی خود^۱ ساخته شده توسط اسکورون (۲۲)؛ ابزاری ۴۶ سوالی است که به منظور سنجش میزان تمایزیافتگی خود افراد به کار می رود و از چهار خرده مقیاس شامل: «واکنش پذیری عاطفی»،^۲ «جایگاه من»،^۳ «گریز عاطفی»،^۴ و «هم آمیختگی عاطفی با دیگران»^۵ تشکیل شده است. هر پرسش با یک مقیاس ۶ درجه ای نمره گذاری می شود. روایی این پرسشنامه در پژوهش های اسکورون (۲۲)، اسکورون و اسمیت (۲۳) تأیید شده است. در پژوهش اسکورون و اسمیت (۲۳) پایایی کل پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و پایایی خرده مقیاس های واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه گردید. در ایران نیز اسکیان (۱۳) پایایی کل آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و

¹-Differentiation of self-inventory

²-Emotional Cutoff (EC)

³-I-Position (I-P)

⁴-Emotional reactivity(ER)

⁵-Fusion with Others

جدول ۲. وضعیت نمونه پژوهش از لحاظ جنسیت، تحصیلات، رتبه تولد، و وضعیت طلاق و حیات والدین (n=۴۰۰)

متغیر	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۲۳۱
	مرد	۱۶۹
تحصیلات	زیر دیپلم	۶۳
	دیپلم	۱۷۴
	لیسانس	۱۱۸
	بالای لیسانس	۴۵
رتبه تولد	اول	۱۰۴
	دوم	۸۸
	سوم	۷۱
	چهارم	۵۳
	پنجم ششم و بالاتر	۳۸
وضعیت طلاق والدین	بدون طلاق	۳۸۸
	طلاق گرفته	۱۲
وضعیت حیات والدین	در قید حیات	۲۸۱
	فوت شده	۱۱۹

جدول ۳. همبستگی بین خرده مقیاس های طرح واره های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی

متغیر	سازگاری زناشویی
رهاشدگی / بی ثباتی	۰/۴۹ **
بی اعتمادی / بد رفتاری	۰/۴۴ **
محرومیت هیجانی	۰/۳۴ **
نقص و شرم	۰/۷۲ **
انزوای اجتماعی / بیگانگی	۰/۵۲ **
وابستگی / بی کفایتی	۰/۲۸ **
آسیب پذیری به ضرر یا بیماری خود تحول نیافته / گرفتار	۰/۳۶ **
شکست	۰/۳۱ **
استحقاق / بزرگ منشی	۰/۴۱ **
خویشترداری و خود انضباطی ناکافی	۰/۴۶ **
اطاعت	۰/۳۳ **
ایثار	۰/۳۶ **
پذیرش جویی / جلب توجه	۰/۴۴ **
منفی گرایی / بدبینی	۰/۱۹ **
بازداری هیجانی	۰/۴۶ **
معیارهای سرسختانه / عیب جویی افراطی	۰/۵۱ **
تنبیه	۰/۲۰ **
جایگاه من	۰/۲۸ **
واکنش پذیری عاطفی	۰/۳۹ **
گریز عاطفی	۰/۴۵ **
هم آمیختگی عاطفی	۰/۴۲ **
نمره کل تمایز یافتگی خود	۰/۳۱ **
	۰/۵۴۳ **

طرح واره ناسازگار اولیه

سازگاری زناشویی

**p<۰/۰۱: *p<۰/۰۵

جهت بررسی رابطه خرده‌مقیاس‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی با سازگاری زناشویی یا به عبارت دیگر، پیش‌بینی سازگاری زناشویی توسط طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی، کلبه متغیرها وارد مدل رگرسیونی چندگانه شدند. جدول ۴ حاوی نتایج این تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام و متغیرهایی است که در مدل باقی‌مانده و معنادار شده‌اند ($p < 0.01$).

جدول ۴. نتایج آنالیز رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش‌بین سازگاری زناشویی

مقدار p	مقدار t	R ^۲	مقدار بتا	R	مقدار استاندارد نشده		شاخص آماری گام
					خطای استاندارد	مقدار B	
<0/001	-۲۰/۶	۰/۵۱۶	-۰/۷۲	۰/۷۱۸	۰/۱۶	-۳/۴۱	۱ نقص و شرم
<0/001	-۱۰/۷۸	۰/۶۲۶	-۰/۳۴	۰/۷۹۱	۰/۱۶۲	-۱/۷۴	۲ استحقاق / بزرگ منشی
<0/001	-۰/۹۳	۰/۶۴۷	-۰/۱۷	۰/۸۰۵	۰/۱۷	-۰/۸۳	۳ بازداری هیجانی
<0/001	۴/۲۹	۰/۶۶۳	۰/۱۳	۰/۸۱۴	۰/۰۷	۰/۳۲	۴ جایگاه من
<0/001	-۴/۶۳	۰/۶۸۰	-۰/۱۴	۰/۸۲۵	۰/۱۵	-۰/۷۱	۵ آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری
<0/001	-۴/۵۹	۰/۶۹۷	-۰/۱۵	۰/۸۳۵	۰/۰۶	۰/۲۹	۶ گریز عاطفی
<0/001	-۳/۷۸	۰/۷۰۷	-۰/۱۳	۰/۸۴۱	۰/۱۶	-۰/۶۰	۷ انزوای اجتماعی/ بیگانگی
<0/001	-۲/۸۸	۰/۷۱۴	-۰/۰۹	۰/۸۵۴	۰/۱۵	-۰/۴۴	۸ منفی‌گرایی / بدبینی
<0/001	-۲/۵	۰/۷۱۸	-۰/۰۸	۰/۸۴۷	۰/۱۶۳	-۰/۴۱	۹ ایثار
<0/001	-۲/۰۰	۰/۷۲۱	۰/۰۶	۰/۸۴۹	۰/۱۵	۰/۳۰	۱۰ پذیرش‌جویی/ جلب توجه
<0/001	-۲/۳۲	۰/۷۲۵	-۰/۰۸	۰/۸۵۱	۰/۱۷	۰/۴۱	۱۱ معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی

بنابراین می‌توان گفت که متغیرهای نقص و شرم، استحقاق، بازداری هیجانی، آسیب‌پذیری به ضرر و بیماری، انزوای اجتماعی، منفی‌گرایی/ بدبینی، ایثار، پذیرش‌جویی و معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی از میان خرده‌مقیاس‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه؛ و جایگاه من از خرده‌مقیاس‌های تمایزیافتگی خود، قدرت پیش‌بینی سازگاری زناشویی را دارند.

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف کلی تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی خود زوجین با میزان سازگاری زناشویی به اجرا درآمد. یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی پیرسون داده‌ها نشان داد که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. یافته پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش تیم (۲۵)، سبزی‌کار و همکاران (۲۶) و اصلانی و همکاران (۲۷) است. حوزه بریدگی و طرد و گوش‌به‌زنگی بیش از حد/ بازداری، بیشترین ارتباط را با سازگاری زناشویی داشتند. با بررسی طرح‌واره‌های ذیل این دو حوزه، مشاهده شد که در حوزه بریدگی و طرد، طرح‌واره نقص و شرم و در حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد/ بازداری، طرح‌واره بازداری هیجانی بیشترین ارتباط را با سازگاری زناشویی داشته‌اند. مطابق نظر یانگ و همکاران (۱۳۹۳)، طرح‌واره‌های حوزه بریدگی و طرد به‌طور معمول در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آید که بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، غیرقابل پیش‌بینی و بدرفتارند؛ که این موارد در مطالعه‌ای که از سوی تیم صورت گرفته تأیید می‌شود (۲۵). مطابق یافته‌های تیم (۲۵)، در میان حوزه‌های پنج‌گانه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، حوزه بریدگی و طرد بیشترین ارتباط را با طرد و بدرفتاری از سوی پدر و مادر دارد؛ از سویی در چنین خانواده‌هایی انتظار می‌رود که سازگاری زناشویی در پایین‌ترین سطح خود باشد، که یافته‌های مطالعه حاضر آن را تأیید می‌کند.

یافته‌ها نشان داد که بین تمایزیافتگی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. سه مؤلفه واکنش‌پذیری هیجانی، هم‌آمیختگی عاطفی و گریز عاطفی، بیانگر تمایز نیافتگی خود فرد می‌باشند، که در پژوهش حاضر با سازگاری زناشویی رابطه منفی معنی‌داری داشته‌اند. یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های رودریگز گونزالس، اسکورون، گریگوریو و روکو (۲۸)، تیموری و همکاران (۲۹)، لیکانی (۳۰)، منصوبی‌فر و ناهیدپور (۳۱) همسو است؛ این پژوهش‌ها به‌طور کلی بر همبستگی تمایزیافتگی با سبک دل‌بستگی، نقش جنسیتی، رضایت زناشویی و تعارض زناشویی تأکید دارند. مفهوم تمایزیافتگی خود به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و ماندن در جو عاطفی و در عین حال استقلال از دیگر افراد اشاره دارد به گونه‌ای که افراد با تمایزیافتگی خود بالا، واکنش‌های خود را به‌صورت منطقی کنترل می‌کنند و در مقابل، افراد با تمایزیافتگی خود پایین گرایش دارند تا این کنترل را با واکنش‌های هیجانی و عاطفی اعمال کنند. در نظام زناشویی نیز وقتی تمایزیافتگی خود زوج‌ها بالا

بنابراین می‌توان گفت که متغیرهای نقص و شرم، استحقاق، بازداری هیجانی، آسیب‌پذیری به ضرر و بیماری، انزوای اجتماعی، منفی‌گرایی/ بدبینی، ایثار، پذیرش‌جویی و معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی از میان خرده‌مقیاس‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه؛ و جایگاه من از خرده‌مقیاس‌های تمایزیافتگی خود، قدرت پیش‌بینی سازگاری زناشویی را دارند.

بنابراین می‌توان گفت که متغیرهای نقص و شرم، استحقاق، بازداری هیجانی، آسیب‌پذیری به ضرر و بیماری، انزوای اجتماعی، منفی‌گرایی/ بدبینی، ایثار، پذیرش‌جویی و معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی از میان خرده‌مقیاس‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه؛ و جایگاه من از خرده‌مقیاس‌های تمایزیافتگی خود، قدرت پیش‌بینی سازگاری زناشویی را دارند.

انجام شود تا تعاملات متقابل طرح‌واره‌ها و تمایزیافتگی زوجین را با میزان سازگاری زناشویی آنان مورد بررسی قرار داد.

۵ نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که توجه نشدن به نیازها، یا ناکامی در دستیابی به آن‌ها و یا پاسخ‌گویی افراطی به نیازها در کودکی منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌شود و ساختار شخصیتی و رفتاری سالم فرد را، هم در کودکی و هم در بزرگسالی و دوران تأهل تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این میان طرح‌واره نقص‌وشرم بیشترین پیش‌بینی‌کنندگی ناسازگاری‌های زناشویی در دوران تأهل را داراست.

از سوی دیگر رابطه مستقیم جایگاه من با سازگاری زناشویی، نشان می‌دهد افرادی که با اعضای خانواده خود روابط صمیمی و بدون مرز و آمیخته‌ای دارند، احتمالاً بعد از ازدواج نیز قادر به تنظیم مرزهای ارتباطی و حتی هیجانی و احساسی خود نخواهند بود و نهایتاً روابط ناسازگار با همسر را در پی خواهند داشت.

جالب آن‌که از ابعاد تمایزیافتگی خود، بعد جایگاه من بیشترین همبستگی را با طرح‌واره بی‌اعتمادی/بدرفتاری داشت. بدان معنا که افراد با طرح‌واره بی‌اعتمادی احتمالاً حیطه واضح و روشنی هم برای عقاید و ارزش‌ها همچنین عواطف و احساسات خود نیز ندارند و نیازمند آن هستند که مرزهای هویتی، احساسی و ارزشی خود را مجدداً تعریف کنند.

باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها نیز برای زوج‌ها بیشتر می‌شود و اضطراب، واکنش‌های هیجانی و در نهایت آمیختگی کاهش می‌یابد. در سمت مقابل، زوج‌های با تمایزیافتگی خود پایین، به هنگام وقوع تعارض، اجتناب و دوری را برمی‌گزینند که این، به برهم خوردن تعادل بین باهم‌بودن و فردیت می‌انجامد و در درازمدت به ناسازگاری زناشویی منجر می‌شود. در همین ارتباط لیکانی (۳۰) در پژوهش خود نشان داد که تمایزیافتگی خود با تعارض زناشویی رابطه معکوس و با رضایت زناشویی رابطه مستقیم دارد.

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام داده‌ها نشان داد که از بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی خود، نقص و شرم، استحقاق، بازداری هیجانی، جایگاه من، آسیب‌پذیری به ضرر و بیماری، انزوای اجتماعی، منفی‌گرایی/بدبینی، ایثار، پذیرش‌جویی، و معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی توان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را داشتند و مابقی متغیرها توان پیش‌بینی را نداشتند و از معادله خارج شدند. یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های سبزی‌کار و همکاران (۲۶)، جهان‌بخشی و همکاران (۲۴)، تیموری و همکاران (۲۹)، اصلانی و همکاران (۲۷)، رودریگز گونزالس و همکاران (۲۸) و لیکانی (۳۰) همسو است.

این مطالعه با محدودیت‌هایی مواجه بود. نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود که این موضوع باید در تعمیم نتایج حاصل از تحقیق مدنظر قرار گرفته و از این رو تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت پذیرد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، نمونه‌گیری به صورت زوجی

References

1. Keyes CL, Shmotkin D, Ryff CD. Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions. *J Pers Soc Psychol.* 2002;82(6):1007–22.
2. Spanier GB, Cole CL. Toward clarification and investigation of marital adjustment. *Int J Sociol Fam.* 1976;121–146.
3. Eidelson RJ, Epstein N. Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *J Consult Clin Psychol.* 1982;50(5):715–20.
4. Sabatelli RM, Bartle-Haring S. Family-of-Origin Experiences and Adjustment in Married Couples. *J Marriage Fam.* 2003;65(1):159–69.
5. Zolfaghari M, Fatehi Zadeh M, Abedi MR. Determining Relationships Between Early Maladaptive Schemas and Marital Intimacy Among Mobarakeh Steel Complex Personnel. *Journal of Family Research.* 2008;4(3):247–61. [Persian]
6. Bradbury TN, Fincham FD. Assessing dysfunctional cognition in marriage: A reconsideration of the Relationship Belief Inventory. *Psychol Assess.* 1993;5(1):92–101.
7. Halford WK, Lizzio A, Wilson KL, Occhipinti S. Does working at your marriage help? Couple relationship self-regulation and satisfaction in the first 4 years of marriage. *J Fam Psychol.* 2007;21(2):185.
8. Stein DJ, Young JE. Rethinking repression. In: *Cognitive Science and the Unconscious.* American Psychiatric Pub; 1997. p. 256.
9. Hadi Bahrami E, Bahramzadeh H. Early Maladaptive Schemas and Agreeableness in Personality Five Factor Model. *Procedia - Soc Behav Sci.* 2011;30:547–51. [Persian]
10. Davies PT, Sturge-Apple ML, Winter MA, Cummings EM, Farrell D. Child Adaptational Development in Contexts of Interparental Conflict Over Time. *Child Dev.* 2006;77(1):218–33.
11. Bowen M. *Family Therapy in Clinical Practice.* 1 edition. Northvale, N.J.: Jason Aronson, Inc.; 1993. 584 p.
12. Harway M, editor. *Handbook of Couples Therapy.* 1 edition. Hoboken, N.J.: Wiley; 2004. 504 p.
13. Askian P, Sanaie Zaker B, Navabinejad S. Barrasi Tasir Psychodram (Ravan-Namayeshgari) bar Afzayesh Tamazozyaftegi Fard az Khanevade Asli dar Daneshamoozan Dokhtar Dabirestani Mantaghe 5 Tehran. *Journal of Counseling Research.* 2008;25(7):27–42. [Persian]
14. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema Therapy: A Practitioner's Guide.* Guilford Press; 2003. 449 p.
15. Haws WA, Mallinckrodt B. Separation-individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couples. *Am J Fam Ther.* 1998 Jan 1;26(4):293–306.
16. Skowron EA, Dendy AK. Differentiation of Self and Attachment in Adulthood: Relational Correlates of Effortful Control. *Contemp Fam Ther.* 2004;26(3):337–57.
17. Markus HR, Kitayama S. Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychol Rev.* 1991;98(2):224–253.
18. Rudy D, Sheldon KM, Awong T, Tan HH. Autonomy, culture, and well-being: The benefits of inclusive autonomy. *J Res Personal.* 2007;41(5):983–1007.
19. Spanier GB. Measuring Dyadic Adjustment: New Scales for Assessing the Quality of Marriage and Similar Dyads. *J Marriage Fam.* 1976;38(1):15–28.
20. Hassan Shahi M. Relation of married compatibility to center of women 's control [MA]. [Isfahan]: Isfahan University; 1999. [Persian]
21. Yoosefi N, Etemadi O, Bahrami F, Fatehizade MA-S, Ahmadi SA. An Investigation on Early Maladaptive Schema in Marital Relationship as Predictors of Divorce. *J Divorce Remarriage.* 2010 Jun 21;51(5):269–92. [Persian]
22. Skowron EA. The role of differentiation of self in marital adjustment. *J Couns Psychol.* 2000;47(2):229–37.
23. Skowron EA, Schmitt TA. Assessing interpersonal fusion: reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *J Marital Fam Ther.* 2003 Apr;29(2):209–22.
24. Jahanbakhshi Z, Kalantar Kooshe SM. Rabete Abaad Tarhvarehaye Nasazegare Avalie va Tamazozyaftegi ba Raghbat be Ezdevaj dar Daneshjooyan Dokhtar va Pesar Daneshgah Allame. *Faslname Moshavere va Ravandarmani Khanevade.* 2012;2(2):234–54. [Persian]
25. Thimm JC. Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *J Behav Ther Exp Psychiatry.* 2010 Dec;41(4):373–80.
26. Sabzikar F, Bahrami Hidaji M, Sodagar S. Predicting the marital adjustment based on the early Maladaptive schemas in women. *Int J Biol Pharm Allied Sci.* 2015;4(11):1005–12.
27. Aslani K, Samadifard A, Sodani M. The Test of the Model of Disconnection and Rejection Domain of Early Maladaptive Schemas and Marital Satisfaction with Mediating Insecure Attachment Style, and Depression. *Family Counseling and Psychotherapy.* 2015;5(1):94–114. [Persian]
28. Rodríguez-González M, Skowron EA, Gregorio VC de, Roque IMS. Differentiation of Self, Mate Selection, and Marital Adjustment: Validity of Postulates of Bowen Theory in a Spanish Sample. *Am J Fam Ther.* 2015 Oct 29;0(0):1–13.
29. Teimoori Asfichi A, Qolamali Lavasani M, Bakhshayesh AR. Predicting Marital Satisfaction on the Basis of Attachment Styles and Differentiation of Self. *Journal of Family Research.* 2013;8(4):441–63. [Persian]
30. Likciani A. Differentiation and intimate partner violence [Internet]. [Manhattan, Kansas]: Kansas State University; 2013 [cited 2016 Jan 4]. Available from: <https://krex.k-state.edu/dspace/bitstream/handle/2097/15547/AdriatikLikciani2013.pdf?sequence=1>
31. Masoobifar M, Nahidpoor F. The role of couple personality similarity and emotional maturity in marital satisfaction. *Journal of Behavioral Sciences.* 2012;4(3):126–37. [Persian]